

آثار توحیدباوری در قیام امام حسین علیه السلام

دکتر محمد رنجبر حسینی^۱

سعیده خلیلی فیروزکوهی^۲

چکیده

اعتقاد به وحدانیت حق تعالی به عنوان اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین عقیده در دیدگاه امام حسین علیه السلام، سبب می‌شود قیام عاشورا نه تنها جنبشی سیاسی-اجتماعی، بلکه قیامی اعتقادی با محوریت توحید تلقی گردد. باور توحیدی امام حسین علیه السلام در خطابه‌ها، مکاتبات و رفتار ایشان از ابتدای شکل‌گیری قیام از مدینه تا کربلا منعکس شده است. این باور توحیدی دارای آثار و نتایج آشکاری در قیام آن حضرت است.

نوشتار حاضر با روش تحلیلی-توصیفی و شیوه کتابخانه‌ای به بررسی آثار و نتایج توحیدباوری در قیام امام حسین علیه السلام می‌پردازد. **کلیدواژه‌ها:** امام حسین علیه السلام، توحیدباوری، تسلیم، توکل، رضا، عبادت.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث (ranjbarhosseini@gmail.com)

۲. کارشناس ارشد علوم حدیث، گرایش کلام و عقاید دانشگاه قرآن و حدیث (s.khalili@gmail.com)

مقدمه

قیام امام حسین علیه السلام با رویکردهای گوناگونی همچون اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و عرفانی، همواره مورد توجه عاشوراپژوهان بوده است. اما صرف نظر از موارد فوق، مهم‌ترین رویکرد نهضت امام حسین علیه السلام رویکرد کلامی و اعتقادی آن است که قابلیت تبیین و دفاع عقلانی دارد و مبنای ایجاد و اثرگذاری سایر جهات آن به شمار می‌رود.

از منظر شیعه امامیه، «اعتقاد به یگانگی ذات حق تعالی» (توحید ذاتی) و آن که «در صفات، بی‌مثل و مانند است» (توحید صفاتی) و «تنها او فعال ما ایشاء است» (توحید افعالی) و «عبادت و اطاعت بدون قید و شرط مخصوص خداست» (توحید عبادی)، چهار رکن اعتقاد توحیدی هستند. جلوه عالی و متکامل این وجوه توحید، در وجود معصوم و ولی خدا بروز می‌کند.

قیام امام حسین علیه السلام بر مبنای اعتقاد توحیدی ایشان است که در گفتار و سیره حضرت از آغاز حرکت از مدینه تا کربلا جلوه‌گری می‌کند. این توحید باوری در قیام امام حسین علیه السلام دارای آثار و نتایجی است که در این نوشتار به تبیین آنها می‌پردازیم:

الف) تجلی توحید باوری در مقام تسلیم و رضا در برابر مشیت الهی

ثمره اعتقاد توحیدی امام حسین علیه السلام در مقابل مشیت الهی آن است که امام آن چه را اراده می‌کند که رضایت حق تعالی در آن است. او چنان بندگی می‌کند که جز با رضا و امر حق تعالی مرتکب هیچ عملی نمی‌شود (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۷).

جلوه مقام رضا و تسلیم امام حسین علیه السلام در برابر مشیت الهی در خطبه‌ای که در مکه پیش از عزیمت به عراق ایراد فرمود، مشهود است:

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ خُطَا الْمُؤْتُ عَلَى وُلْدِ آدَمَ مَحَطَّ الْقِلَادَةِ عَلَى جِيدِ الْفَتَاةِ...؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۶۶/۴۴)

سپاس برای خداست. آن چه خدا بخواهد همان خواهد بود و هیچ نیرویی حکمفرما نیست، مگر به اراده خداوند. و درود بر فرستاده خویش. مرگ، بر

انسان‌ها لازم افتاده، همانند اثرگردن بند که لازمه گردن دختران است.

این بیان حضرت، نشان از فعال مایشاء بودن خداوند دارد. خداوند مشیت کرده است که سیدالشهدا این حرکت تاریخی را رقم بزند؛ چنان که در ادامه می‌فرماید:

لَا مَحِيصَ عَنْ يَوْمٍ خُطَّ بِالْقَلَمِ رِضَا اللَّهِ رِضَانَا أَهْلَ النَّبِيِّ نَصَبِ عَلَى بَلَائِهِ وَيُؤَقِّنَا
أَجْرَ الصَّابِرِينَ؛ (همو: ۳۶۷)

از پیشامدی که با قلم قضا نوشته شده است، چاره و مفری نیست. بر آن چه خدا راضی است، ما نیز راضی و خشنودیم. در مقابل بلا و امتحان او صبر می‌کنیم و اجر صبرکنندگان را بر ما عنایت خواهد نمود.

دلیل رضایت امام حسین علیه السلام را می‌توان در نگاه توحیدی آن حضرت جست و جو کرد که همان برگزیدن راه شهادت است. در دین داری توحیدمحور، شخص مؤحد در جست و جوی حقیقت است و لقای پروردگارا را غایت این نوع دین داری معرفی می‌کند. در دین داری توحیدمحور، مؤحد دست به ارزش آفرینی می‌زند؛ از این رو دیگر مرگ در راه خدا فقط مرگ نیست و عنوان شهادت می‌گیرد؛ عنوانی که بار ارزشی متمایز از سایر مرگ‌ها دارد.

جلوه دیگر تسلیم و رضای امام حسین علیه السلام در برابر قضای الهی، صحبتی است که بین ایشان و ام سلمه، به هنگام حرکت ایشان به کربلا شکل می‌گیرد. علامه مجلسی چنین نقل می‌کند:

فَقَالَتْ يَا بُنَيَّ لَا تَخْرُجَنِي بِخُرُوجِكَ إِلَى الْعِرَاقِ فَإِنِّي سَمِعْتُ جَدَّكَ يَقُولُ يُقْتَلُ وَلَدِي
الْحُسَيْنُ بِأَرْضِ الْعِرَاقِ فِي أَرْضٍ يُقَالُ لَهَا كَرْبَلَاءُ فَقَالَ لَهَا يَا أُمَّهُ وَأَنَا وَاللَّهِ أَعْلَمُ ذَلِكَ
وَإِنِّي مَقْتُولٌ لَا مَحَالَةَ وَكَيْسَ لِي مِنْ هَذَا بُدٌّ... يَا أُمَّهُ قَدْ شَاءَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَرَانِي
مَقْتُولًا مَذْبُوحًا ظَلْمًا وَعُدْوَانًا وَقَدْ شَاءَ أَنْ يَرَى حَرَمِي وَرَهْطِي وَنِسَائِي مُشَرَّدِينَ وَ
أَطْفَالِي مَذْبُوحِينَ مَظْلُومِينَ مَأْسُورِينَ مُقَيَّدِينَ وَهُمْ يَسْتَعْيِثُونَ فَلَا يَجِدُونَ نَاصِرًا وَلَا
مُعِينًا؛ (همو: ۳۳۱)

ای فرزندم! با حرکت خود به سوی عراق، مرا غمناک و محزون نگردان؛ زیرا من از جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده‌ام که می‌فرمود: فرزندم حسین در خاک عراق و در محلی به نام کربلا کشته خواهد شد. امام در پاسخ فرمود: مادر! اگمان مبرکه از

این جریان، تنها تو مطلع هستی.] به خدا قسم می‌دانم که از راه ظلم و ستم و از راه عداوت و دشمنی کشته خواهم شد و سرم از تنم جدا خواهد گردید و خداوند بزرگ چنین خواسته است که حرم و اهل بیت من آواره و فرزندانم شهید و به زنجیر اسارت کشیده شوند و صدای استغاثه آنان طنین انداز گردد، ولی فریادرسی نخواهند یافت.

دایره علم امام، شامل همه فرامین و اوامر الهی و اتفاقات آینده است. از این رو در سخن با ام سلمه معلوم می‌شود که آن حضرت به تمام آلام و مصائب این قیام، از اسارت خانواده و محل قبر خویش و جزئیات دیگر آگاه بوده است (همو: ۲۵۳). با این حال، رضایت و تسلیم، تنها در فضای تعبد ظهور می‌کند. در این فضا فقط تسلیم است و وارد تحلیل نمی‌شود؛ چنان که محمد حنفیه قصد داشت با تحلیل شرایط حاکم، امام را در فضای تصمیم‌گیری دیگری قرار دهد. حتی خود حضرت می‌توانست بدون توسل به علم لدنی، با علم عادی تحلیل داشته باشد، اما در مقام رضا و تسلیم، فقط تعبد می‌کند. جلوه‌ای دیگر در مقام رضای امام حسین علیه السلام را می‌توان در پاسخ ایشان به محمد حنفیه دید؛ در موقعیتی که امام از مدینه خارج شده و اراده نبرد کرده است؛ اما اراده او در رضایت خداست. او در پاسخ به محمد حنفیه که توصیه به ماندن در مکه کرده، رضایت و تسلیم در برابر مشیت الهی را گوشزد می‌کند و می‌فرماید:

أَتَانِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بَعْدَ مَا فَارَقْتُكَ فَقَالَ: يَا حُسَيْنُ! اخْرُجْ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرَاكَ قَتِيلًا. فَقَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَنَفِيَّةِ: إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ مَعْنَى حَمَلِكَ هَؤُلَاءِ الْبَنَاتِ مَعَكَ وَأَنْتَ تَخْرُجُ عَلَى مِثْلِ هَذَا الْحَالِ؟ قَالَ: فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرَاهُنَّ سَبَايَا فَسَلِّمْ عَلَيْهِ وَ مَضَى؛ (ابن طاووس، ۱۴۰۴: ۶۵)

پس از آن که از تو جدا شدم، رسول خدا در خواب نزد من آمد و فرمود: ای حسین! خارج شو، همانا خداوند خواسته است [برای پیشرفت دین]، تو را کشته ببیند. محمد بن حنفیه گفت: اِنَّا لِلَّهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ. اکنون که تو با این وضع حرکت می‌کنی، همراه بردن این زنان با تو چه معنایی دارد؟ امام حسین علیه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ به من فرمود: همانا خداوند چنین خواسته که آنان را اسیر و گرفتار بنگرد.

در روایتی، به نقل از امام حسین علیه السلام آمده است که ایشان، صبح عاشورا درباره رضایت و اذن خداوند نسبت به شهادت خود و اصحابش فرمود:

أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ أُذِنَ فِي قَتْلِكُمْ، فَأَتَّقُوا اللَّهَ وَاصْبِرُوا؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۶/۴۵)

گواهی می‌دهم که اجازه کشته شدن شما داده شده است. پس از خدا پروا کنید و صبر نمایید.

امام حسین علیه السلام با این سخن، به یاران می‌گوید که تقدیر حکیمانه خداوند، این است که ما همگی به شهادت برسیم و باید در برابر این مصیبت، شکیبایی پیشه سازیم و تسلیم تقدیر الهی و راضی به قضای او باشیم و این نهایت توحید باوری است.

ب) تجلی توحید باوری در مقام توکل و استعانت

توکل و استعانت سیدالشهدا علیه السلام به پروردگار حتی در سخت‌ترین و سنگین‌ترین لحظات، نشان از تجلی باور توحیدی در وجود حضرت است. معنای درست توحید افعالی بدین معناست که هر فعلی که در این جهان به وقوع می‌پیوندد، زیر سیطره الهی و خواست و تقدیر خدای متعال است (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶: ۸۵) و به دلیل اصالت داشتن این باور در وجود امام معصوم علیه السلام او جز به این قدرت متوسل نمی‌شود و جز از او استعانت نمی‌طلبد. نیل به این درجه از نگرش توحیدی جز با معرفت و محبت به ذات حق تعالی محقق نمی‌شود؛ از این رو شرط رسیدن به این مقام، معرفت و محبت به خالق است که این دو وجه، به نحو اکمل در وجود امام معصوم علیه السلام محقق است. حضرت در روز عاشورا چندین مناجات دارد که مملو از معارف اصیل توحیدی است. این کلمات توحید اصیل را تبیین می‌نمایند؛ عباراتی که از روی معرفت حقیقی و محبت امام حسین علیه السلام نسبت به پروردگار و توکل بر اوست.

در روایتی آمده است که امام حسین علیه السلام در بامداد روز عاشورا وقتی سپاه دشمن نمایان می‌شود، دست به دعا برمی‌دارد و چنین با خدای خود مناجات می‌کند:

اللَّهُمَّ أَنْتَ تَقْتِي فِي كُلِّ كَرْبٍ وَرَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ تَنْزِلُ بِي تَقَّةً وَعِدَّةً
كَمْ مِنْ هَمٍّ يَضَعُفُ فِيهِ الْفَوَادُ وَتَقَلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ وَيُخْذَلُ فِيهِ الصَّدِيقُ وَيَسْمَتُ فِيهِ

الْعُدُو أَنْزَلْتُهُ بِكَ وَشَكَوْتُهُ إِلَيْكَ رَغْبَةً مِثِّي إِلَيْكَ عَمَّنْ سِوَاكَ فَفَرَجْتَهُ وَكَشَفْتَهُ وَ
 أَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَصَاحِبُ كُلِّ حَسَنَةٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ؛ (مفید، ۱۴۱۳: ۹۶؛ مجلسی،
 ۱۴۰۳: ۴/۵)

بارخدا یا! توتکیه‌گاه من درهراندوهی، وتوامید من درهرسختی هستی، وتودر
 هرمشکلی که برایم پیش آید، مورد اعتماد و آماده‌کننده سازوبرگ منی. چه بسا
 اندوهی که دل‌ها در آن سست شود، وتدبیردر آن اندک شود، دوست در آن خوار
 گردد، ودشمن در آن شاد شود که من آن را به درگاه تو آوردم وشکوه آن پیش تو
 کردم به خاطر آن که از جزتودیده بربستم، وتو آن اندوه را از من برطرف کرده
 گشایش دادی؛ پس تویی صاحب اختیارهر نعمت، ودارنده هر نیکی، وپایان هر
 آرزو وامیدی.

امام حسین علیه السلام در آغاز قیام خود در مدینه پیوند باورتوحیدی را با اطاعت از خدا
 در مرحله عقیده ونگرش بیان می‌کند ودر روز عاشورا در صحنه کارزار، نهایت
 عبودیت وبندگی ظاهر می‌شود وآن، جایی است که خود را فقیر محض می‌داند وتنها
 ملجأ وپناه خود را ذات حق تعالی معرفی می‌کند؛ چنان که حضرت در آخرین مناجات
 خود در آخرین لحظات روز عاشورا با کلمات و عباراتی پروردگارا به زیباترین صورت
 توصیف می‌نماید:

اللَّهُمَّ مُتَعَالَى الْمَكَانِ عَظِيمِ الْجَبْرُوتِ شَدِيدِ الْمِحَالِ غَنِيًّا عَنِ الْخَلَائِقِ عَرِيضَ
 الْكِبْرِيَاءِ قَادِرَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَرِيبُ الرَّحْمَةِ صَادِقُ الْوَعْدِ سَابِقُ النِّعْمَةِ حَسَنُ الْبَلَاءِ
 قَرِيبٌ إِذَا دُعِيَ مُحِيطٌ بِمَا خَلَقْتَ قَابِلُ التَّوْبَةِ لِمَنْ تَابَ إِلَيْكَ قَادِرٌ عَلَى مَا أَرَدْتَ وَ
 مُدْرِكٌ مَا طَلَبْتَ وَشَكُورٌ إِذَا شُكِرْتَ وَذَكُورٌ إِذَا ذُكِرْتَ ادْعُوكَ مُحْتَاجاً وَارْغَبْ إِلَيْكَ
 فَقِيراً وَافْرِعْ إِلَيْكَ خَائِفاً وَأُنْكِ إِلَيْكَ مَكْرُوباً وَأُسْتَعِينُ بِكَ ضَعِيفاً وَأَتَوَكَّلُ
 عَلَيْكَ كَافِياً أَحْكَمَ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ فَأَيُّهُمْ غَرُّونَا وَخَدَعُونَا وَغَدَرُوا بِنَا وَقَتَلُونَا
 وَخُنُّوا عِشْرَةَ نَبِيِّكَ وَوُلِدَ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٌ بِنَ عَدْرُوا بِنَا وَقَتَلُونَا وَخُنُّوا عِشْرَةَ نَبِيِّكَ وَوُلِدَ
 حَبِيبِكَ مُحَمَّدٌ بِنَ عَبْدِ اللَّهِ الَّذِي اصْطَفَيْتَهُ بِالرِّسَالَةِ وَأَتَمَّنْتَهُ عَلَيَّ وَحَيْكَ فَاجْعَلْ
 لَنَا مِنْ أَمْرِنَا فَرَجاً وَمُخْرَجاً بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۴۸/۹۸)

خدا یا! ای دارای جایگاه بلند! جبروت بزرگ! توانمند شدید [در کيفروانتقام]!
 بی‌نیاز از مخلوقات! صاحب کبریایی گسترده! بر هر چه خواهی قادری! رحمتت



نزدیک! پیمانت درست! دارای نعمت سرشار هستی و بلایت نیکوست. هرگاه
 تورا بخوانند نزدیکی! بر آفریده‌ها احاطه داری! توبه‌پذیری و هرگاه تورا بخوانند
 نزدیکی! بر آفریده‌ها احاطه داری! توبه‌پذیر توبه‌کنندگان! بر هر چه اراده کنی
 توانایی! و به هر چه بخوانی می‌رسی! چون سپاست گویند سپاس‌گزاری! و چون
 یادت کنند یادشان می‌کنی. حاجتمندان تورا می‌خوانم و نیازمندان به تو
 مشتاقم و هراسانه به تو پناه می‌برم و با حال حزن به درگاه تو می‌گیرم و ناتوانمندان
 از تو یاری می‌طلبم. تنها بر تو توکل می‌کنم، میان ما و این قوم حکم فرما! اینان به
 ما نیرنگ زدند، ما را تنها گذارده، بی وفایی کردند و به کشتن ما برخاستند. ما
 خاندان پیامبر و فرزندان حبیب تو محمد بن عبدالله هستیم، هموکه او را به
 پیامبری برگزیدی و بروحیات امین ساختی. پس در کار ما گشایش و برون رفتی
 قرارده، به رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان.

اوج تجلی توحید در استعانت امام حسین علیه السلام در آخرین لحظات عمر مبارک ایشان در
 صحنه نبرد این گونه گزارش شده است:

لَمَّا لَمْ يَبْقَ مَعَ الْحُسَيْنِ علیه السلام أَحَدٌ إِلَّا ثَلَاثَةٌ رَهْطٍ مِنْ أَهْلِهِ، أَقْبَلَ عَلَى الْقَوْمِ يَدْفَعُهُمْ عَنْ
 نَفْسِهِ وَالثَّلَاثَةُ يَحْمَوْنَهُ، حَتَّى قُتِلَ الثَّلَاثَةُ وَبَقِيَ فِي رَأْسِهِ وَبَدَنِهِ، فَجَعَلَ يُضَارِبُهُمْ
 بِسَيْفِهِ، وَهُمْ يَتَفَرَّقُونَ عَنْهُ وَحَدَهُ، وَقَدْ أُخِنَ بِالْحِرَاحِ بَيْنَنَا وَشِمَالًا فَقَالَ حُمَيْدُ بْنُ مُسْلِمٍ:
 قَوْلَهُ مَا رَأَيْتُ مَكْشُورًا قَطُّ، قَدْ قُتِلَ وُلْدُهُ، وَأَهْلُ بَيْتِهِ وَأَصْحَابُهُ، أُرْبَطَ جَأْشًا وَلَا أَمْضَى.
 جَنَانًا مِنْهُ علیه السلام، إِنْ كَانَتْ الرَّجَالَةُ لَتَشُدُّ عَلَيْهِ فَيَشُدُّ عَلَيْهَا بِسَيْفِهِ، فَتَنكشِفُ عَنْ يَمِينِهِ
 وَشِمَالِهِ انْكِشَافَ الْمِعْزَى إِذَا شَدَّ فِيهَا الدِّبْتُ؛ (مفید، ۱۴۱۳: ۱۱۱؛ محمدی ری شهری،
 ۱۳۸۸: ۱۹۶/۷)

هنگامی که جز سه تن از یاران حسین علیه السلام باقی نماندند، امام به دشمن، حمله برد
 و آنان را از خود، دور می‌کرد و آن سه تن، از او حفاظت می‌کردند تا آن که آنان نیز
 کشته شدند. امام علیه السلام که از زخم‌ها تن و سرش، سنگین شده و تنها مانده بود، آنان
 را با شمشیر می‌زد و آنها از چپ و راست او می‌گریختند. حُمَید بن مسلم
 می‌گوید: به خدا سوگند آن وقت شکست خورده‌ای را ندیده بودم که فرزندان و
 خاندان و یارانش کشته شده باشند، اما این گونه استوار و پُردل و جسور مانده
 باشد. پیادگان بر او یورش می‌بردند و او هم بر آنان یورش می‌برد و از چپ و راست

او، مانند فرار بیزها به هنگام حمله گرگ، از هم شکافته می شدند.

تجلی توکل امام حسین علیه السلام به خدای متعال در شجاعت و ایستادگی حضرت در صحنه نبرد نمایان می شود:

عن برید بن معاویه العجلی عن أبي جعفر الباقر علیه السلام: أُصِيبَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام وَوَجِدَ بِهِ ثَلَاثُمِئَةً وَبِضْعَةَ وَعِشْرُونَ طَعْنَةً بِرُمْحٍ، أَوْ ضَرْبَةً بِسَيْفٍ، أَوْ رَمِيَّةً بِسَهْمٍ. فَرَوَى أُمَّهَا كَانَتْ كُلُّهَا فِي مُقَدِّمِهِ؛ لِأَنَّهُ علیه السلام كَانَ لَا يُؤَلِّي؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲/۴۵)

به نقل از برید بن معاویه عجللی، از امام باقر علیه السلام حسین بن علی علیه السلام شهید شد و سیصد و بیست و چند زخم در او یافتند؛ زخم بر اثر نیزه و ضربه شمشیر و اصابت تیر همچنین روایت شده که همه زخم‌ها در قسمت جلوی بدن او بود؛ زیرا او پشت به دشمن نمی کرد و نمی گریخت.

ج) تجلی توحید باوری در عبادت امام حسین علیه السلام

یکی از انواع توحید، توحید در عبادت است. توحید در عبادت یعنی تنها معبود سزاوار پرستش خداوند است و این عبادت و پرستش در هیچ حالی ترک نمی شود. مهلت خواستن امام حسین علیه السلام از دشمن برای عبادت شب عاشورا جلوه‌ای از توحید در عبودیت ایشان به شمار می آید:

فَقَالَ ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُؤَخِّرَهُمْ إِلَى الْغُدُوَّةِ وَتَدْفَعَهُمْ عَنَّا الْعَشِيَّةَ لَعَلَّنَا نُصَلِّيَ لِرَبِّنَا اللَّيْلَةَ وَنَدْعُوهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ فَهُوَ يَعْلَمُ أَنِّي قَدْ أَحْبَبْتُ الصَّلَاةَ لَهُ وَتِلَاوَةَ كِتَابِهِ وَالدُّعَاءَ وَالِاسْتِغْفَارَ؛ (مفید، ۱۴۱۳: ۹۰/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴/۳۹۱)

امام علیه السلام فرمود: به سوی آنان بازگرد و اگر توانستی همین امشب را مهلت بگیر و جنگ را به فردا موکول بکن تا ما امشب را به نماز و استغفار و مناجات با پروردگاران بپردازیم؛ زیرا خدا می داند که من به نماز و قرائت قرآن و استغفار و مناجات با او بسیار علاقه مندم.

همچنین اقامه نماز ظهر عاشورا و فداکاری یاران حضرت جلوه دیگری از توحید باوری آنان در عبادت پروردگار است که چنین وصف شده است:

حَضَرَتْ صَلَاةُ الظُّهْرِ فَأَمَرَ الْحُسَيْنُ علیه السلام زُهَيْرَ بْنَ الْفَيْنِ وَ سَعِيدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْحَنْظَلِيَّ أَنْ



يَتَقَدَّمَا أَمَامَهُ يَنْصِفُ مَنْ تَخَلَّفَ مَعَهُ ثُمَّ صَلَّى بِهِمْ صَلَاةَ الْخُوفِ فَوَصَلَ إِلَى
الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَتَقَدَّمَ سَعِيدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَنْفِيُّ وَوَقَفَ يَتَّقِيهِ بِنَفْسِهِ مَا زَالَ وَلَا
تَحْطَى حَتَّى سَقَطَ إِلَى الْأَرْضِ؛ (مفيد، ۱۴۱۳: ۱۱۰)

هنگام نماز ظهر شد. حسین علیه السلام به زهیر بن قین و سعید بن عبدالله فرمان داد با حدود نیمی از یارانش، جلوی ایشان بایستند. سپس امام علیه السلام با آنان، نماز خوف گزارد. به سوی حسین علیه السلام تیری پرتاب شد. سعید بن عبدالله حنفی، جلوی امام ایستاد و با جانش از او محافظت کرد، بی آن که به چپ و راست برود، تا آن که بر اثر تیرهایی که خورده بود، به زمین افتاد.

نتیجه گیری

با مطالعه ودقت در سخنان، خطابه‌ها، مکاتبات و سیره امام حسین علیه السلام از آغاز حرکت از مدینه تا کربلا، توحیدباوری در تمامی مراحل و ساحات قیام حضرت، روشن می‌شود. با تبیین توحیدباوری امام حسین علیه السلام به این نتیجه رسیدیم که قیام حضرت کاملاً منطبق بر باور توحیدی ایشان است و جلوه‌هایی از آثار و نتایج این باور توحیدی در مقام تسلیم و رضا، استعانت و توکل به خداوند و عبودیت پروردگار نمایان می‌شود. از این رو با توجه به این آثار و نتایج، قیام امام حسین علیه السلام قیامی اعتقادی، حق طلبانه و قابل دفاع و عقلانی به شمار می‌رود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۴ق)، *التهوف علی قتلی الطفوف*، ترجمه: احمد فهری زنجانی، تهران، نشر جهان.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت، بی نا چاپ دوم.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۸ش)، *دانشنامه امام حسین علیه السلام*، قم، دارالحدیث.
- _____ (۱۳۸۶ش)، *دانشنامه عقاید اسلامی معرفت شناسی*، قم، دارالحدیث.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۸ش)، *مجموعه آثار شهید مطهری*، تهران، صدرا.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.
- نجفی، محمد جواد (بهار ۱۳۸۸ش)، «بررسی تحلیلی انگیزه های قیام امام حسین علیه السلام از بعد کلامی شیعه»، *مجله شیعه شناسی*، ش ۲۵.

